

بررسی فقهی مکان اعتکاف از دیدگاه فقهای امامیه

سیدحسین رشیدی^۱

^۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران.

نویسنده مسئول: s.hossein86600@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

چکیده

بی تردید اعتکاف، عملی است که دارای آثار مثبت معنوی در حوزه‌ی فردی و اجتماعی است و اهمیت برگزاری آن در زمان معاصر که نیاز به معنویت، بیش از گذشته احساس می‌شود، مضاعف می‌باشد. البته در ایران اسلامی به برکت نظام اسلامی اعتکاف توجه بیشتری یافته است. لکن اعتکاف چون یک عمل شرعی است، حصول شرعی بودن آن، نیازمند رعایت شرایط بیان شده از سوی شارع می‌باشد و شارع مقدس شرایطی را برای شخص معتکف، کیفیت اعتکاف و زمان اعتکاف بیان فرموده است. هم چنین از نظر شرع مقدس اعتکاف در هر مکانی صحیح نبوده و باید در مکان اعلامی از طرف شارع برگزار شود. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بر صحت اعتکاف در مسجد جماعت، مستندات و شواهدی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: اعتکاف، مسجد، مسجد جامع، مکان اعتکاف

مقدمه

طَهْرًا بَيْتِي لِطَائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرَّكْعِ السُّجُودِ . (سوره بقره آیه ۱۲۵)

بیان پاداش‌های فراوان و آثار اعتکاف برای مردم از سوی شارع مقدس، کافی است تا انگیزه فراوانی برای مومنین جهت شرکت در مراسم اعتکاف ایجاد شود اما دست‌یابی به آن پاداش‌ها و آثار نیازمند رعایت شرایطی است که از سوی شارع مقدس در مورد شخص معتکف، کیفیت، زمان و مکان اعتکاف بیان شده است که امروزه شرط مکان آن بیشتر مورد توجه و سوال برگزارکنندگان مراسم اعتکاف و خود معتکفین قرار گرفته است. مکان مشروع برای اعتکاف در غالب کتب فقهی که متعرض بیان احکام اعتکاف بوده اند مورد بررسی قرار گرفته شده است. و فقها در این که اعتکاف باید در مسجد باشد به اجماع رسیده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۱۷۰). لکن در این که کدام مسجد محل مشروع برای اعتکاف می‌باشد اختلاف داشته‌اند. مشهور فقها به این نتیجه رسیده‌اند که اعتکاف فقط در چهار مسجد یعنی مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و مسجد بصره جایز می‌باشد البته برخی مسجد مدائن را نیز به مساجد مذکور اضافه کرده‌اند. (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۲۰۹). با این وجود، بسیاری از فقهای متأخر، با این رای مخالفت کرده و اعتکاف را در همه‌ی مساجد جامع مشروع دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۹۳). برخی دیگر نیز اعتکاف را در تمام مساجد، مشروع دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۷۸).

با توجه به استقبال گسترده مردم و همچنین گاه‌گاه وجود عوامل دیگر، برگزاری اعتکاف بعضاً در مساجد جامع ممکن نبوده است. همچنین به خاطر تاثیر اعتکاف در رشد معنوی جامعه و افراد، امکان برگزاری اعتکاف در مکان‌ها و محلات مختلف مورد سوال قرار گرفته است به همین خاطر در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شرطی که در مورد مکان اعتکاف در کتب فقهی بیان شده است مورد بازخوانی مجدد قرار گرفته است تا حکم شرعی اعتکاف‌های برگزار شده در زمان معاصر تحصیل شود. در حقیقت سوال اصلی که مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به آن است عبارت است از: حکم شرعی اعتکاف در مساجد جامع و جماعت از دیدگاه فقه امامیه چیست؟

پیشینه و امتیازات تحقیق حاضر

درباره مکان اعتکاف مقالات زیر نوشته شده است

۱- سعیدی، علی (۱۴۳۳ق)، مشروعیت الاعتکاف فی جمیع المساجد، مجله فقه اهل البیت عربی، شماره ۶۷ و ۶۸.

مقاله مذکور با ارائه دلایلی به دفاع از صحت اعتکاف در جمیع مساجد می پردازد که در این مقاله دلایل مذکور مورد نقد قرار می گیرند.

۲- مقدادی داودی، عباس (۱۴۰۰ش)، بررسی تطبیقی مصادیق مکان اعتکاف در تراث روایی از منظر فریقین، مجله فقه و اجتهاد، شماره ۱۵.

مقاله مذکور با استناد به کتب لغوی و فقهی به مفهوم شناسی واژه «جامع» پرداخته و آن را مکانی دارای جمعیت نسبتاً زیاد و عمومی معرفی می کند و با استناد به کتب فقهی شرط وجود جماعت صحیح را برای صحیح بودن مکان مذکور برای اعتکاف اضافه می کند. امتیاز مقاله حاضر را می توان توجه بیشتر به روایات وارده در مسئله، بررسی اقوال دیگر در مسئله و نتیجه متفاوت با مقاله مذکور دانست.

آرای فقهای امامیه در مورد مکان اعتکاف

می توان فقهای امامیه را به خاطر فتوایی که در مورد مکان اعتکاف داده اند به چهار طایفه تقسیم کرد که در ادامه نظرات هر طایفه و دلایلشان مورد بررسی قرار می گیرد.

۱) قول انحصار جواز اعتکاف در مساجد اربعه

مشهور فقهای امامیه، قائل بر این هستند که اعتکاف فقط در مساجدی صحیح است که نبی یا وصی (علیهم السلام) در آن نماز جمعه یا طبق قولی نماز جماعت اقامه کرده باشد که مساجد مذکور عبارتند از مسجد مکه، مسجد النبی ص، مسجد کوفه و مسجد بصره. البته برخی به جای مسجد بصره، مسجد مدائن را ذکر کرده اند و برخی نیز مسجد مدائن را به مساجد اربعه اضافه کرده اند (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۹). عمده دلیلی که بر رأی مذکور بیان شده است وجود اجماع در مسئله می باشد (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۱۴۶).

اما هم چنان که مرحوم عاملی در مدارک الاحکام فرموده اند چگونه چنین اجماعی حاصل است در حالی که روایات بر خلاف آن و بزرگان از فضلا قائل بر ضد آن می باشند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۳۲۵).

علاوه بر اجماع مذکور روایت زیر نیز بر قول مذکور مورد استناد قرار گرفته شده است.

«عمر بن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم درباره اعتکاف در بعضی از مساجد بغداد چه می فرمایید؟ حضرت فرمودند: اعتکافی نیست مگر در مسجد جماعتی که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده باشد و اشکالی نیست که معتکف شوند در مسجد کوفه و بصره و مسجد مدینه و مسجد مکه». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۸۴).

این روایت را شیخ صدوق به اسنادشان از حسن بن محبوب نقل کرده اند که طریقشان صحیح می باشد (حلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۴۳۹). و عمر بن یزید که از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده است را شیخ طوسی توثیق کرده اند. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۳). در نتیجه سند روایت، صحیح می باشد.

درباره دلالت روایت بر مدعی، مقدس اردبیلی فرموده اند:

«هیچ شکی نیست که روایت، تصریح دارد بر ممنوع بودن اعتکاف در سایر مساجدی که امام عادل در آن، نماز جماعت برگزار نکرده باشد به خاطر این که حصر بر نهی دلالت دارد... و ظاهر این است که مراد از امام عادل، همانطور که اکثر اصحاب قائل به آن هستند به

دلیل تبادر، معصوم علیه السلام می باشد و ذکر فقط چهار مسجد در روایت ونفی اعتکاف از مساجد بغداد اشعار به آن دارد» (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۶۵).

این مطلب که اعتکاف در مساجدی که امام عدل در آن نماز جماعت برگزار نکرده باشد ممنوع است صحیح می باشد و همانطور که مقدس اردبیلی فرموده اند روایت تصریح بر آن دارد اما این فرمایش که مراد از امام عدل، در روایت فقط معصوم علیه السلام است قابل خدشه می باشد و ایشان هم اذعان دارند که روایت تصریح بر آن ندارد به همین خاطر به دلیل تبادر تمسک جسته و فرموده اند که متبادر از امام عدل، معصوم علیه السلام است لکن اگر بگوییم این معنی بدون توجه به قرائن و ابتداءً به ذهن می آید به نظر می رسد این فرمایش، فرمایش صحیحی نباشد چون همانطور که شاهد عدل مختص به معصوم نیست امام عدل هم مختص به معصوم علیه السلام نیست (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۳۲۶). و اگر بگوییم این معنی با توجه به قرائنی نظیر ذکر مساجد اربعه و نفی اعتکاف در مساجد بغداد به ذهن می آید این دیگر اسمش تبادر نیست. هم چنین از این قرائن هم نمی توان معنای مذکور را اثبات نمود چون که هر چند در این روایت فقط مساجد اربعه ذکر شده است ولی در روایات دیگر مساجد جامع هم ذکر شده اند لذا با توجه به آن، نفی اعتکاف از مساجد بغداد را می توان به خاطر این دانست که در آن زمان، امام عدلی در آن مساجد اقامه نماز نمی کرد چون مساجد آنان، مساجد اهل حق نبود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۱۷۴).

بر فرض هم بپذیریم که از امام عادل، امام معصوم (علیه السلام) متبادر است لکن در مانحن فیه قرینه داریم که مراد از آن، امام معصوم (علیه السلام) نمی باشد و آن اینکه در روایت داود بن سرحان امام علیه السلام می فرمایند:

« نمی بینم اعتکاف را مگر در مسجد الحرام یا مسجد رسول (صلی الله علیه و آله) یا مسجد جامع» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۸۵).

در این روایت مسجد جامع، کنار مسجد الحرام و مسجد الرسول ص ذکر شده است این در حالی است که ما اگر ملاک را اقامه جماعت توسط امام معصوم علیه السلام بدانیم نباید مسجد جامع ذکر می شد.

۲) قول صحت اعتکاف در مساجد جامع

بسیاری از فقهای متأخر امامیه، علاوه بر مساجد اربعه یا خمس، مساجد جامع را نیز مکانی مشروع برای اعتکاف دانسته اند (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۵۴۶). دلیل فقهای مذکور روایاتی است که در این زمینه وارد شده است که در ادامه به بررسی برخی از روایات مذکور می پردازیم.

روایت اول: مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی از علی بن ابراهیم از پدرشان ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از حماد از حلبی نقل می کنند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اعتکافی نیست مگر با روزه در مسجد جامع» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۶۷۳).

سند این روایت صحیح می باشد چون که علی بن ابراهیم در رجال با الفاظی همچون ثقه فی الحدیث، ثبت و معتمد توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰) هم چنین در مورد پدرشان ابراهیم بن هاشم اعتنای مشایخ به ایشان به اندازه ای است که بیشتر از توثیق علمای رجال، به وثاقت ایشان اطمینان حاصل می شود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۷). ابن ابی عمیر نیز از اوثق افراد بین خاصه و عامه بودند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۲) و مراد از حماد در سند روایت، به قرینه روایتشان از حلبی و روایت ابراهیم بن هاشم از ایشان، حماد بن عثمان می باشد. (خویی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۹۶) که ثقه و جلیل القدر می باشند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۰) حلبی هم به یک خانواده ای اطلاق می شوند که همه آن ها ثقه می باشند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۱).

روایت دوم: مرحوم صدوق در من لا یحضر به اسنادشان از بزنتی و ایشان از داود بن سرحان نقل می کنند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

« نمی بینم اعتکاف را مگر در مسجد الحرام یا مسجد رسول ص یا مسجد جامع» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۸۵).

اسناد شیخ صدوق به ابی نصر بزنطی صحیح می باشد (حلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۴۳۷). داود بن سرحان نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام و ثقه می باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۹). بنابراین این روایت نیز صحیح می باشد.

همان طور که معلوم است روایات مذکور تصریح دارند بر این که اعتکاف باید در مساجد جامع باشد پس معلوم می شود اعتکاف در مساجد جامع، نیز مشروع است نتیجه این می شود که مشروعیت اعتکاف فقط در مساجد اربعه منحصر نیست و به غیر از آن در مساجد جامع نیز مشروع است.

اما برخی از فقها فرموده اند هر چند این روایات، اعتکاف را در مساجد جامع مشروع می داند ولی با روایاتی که اعتکاف را در مساجد اربعه مشروع می داند مقید می شود (حائری، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۲۱).

لکن این فرمایش را شاید در مورد روایت اول بشود گفت ولی در روایت دوم، مسجد جامع در کنار مسجد الحرام و مسجد الرسول ذکر شده است و از آن معلوم می شود که اعتکاف در هر سه مشروع است و بحث تقیید مطرح نمی باشد.

۳) قول صحت اعتکاف در جمیع مساجد

برخی دیگر از فقها مثل مرحوم ابن ابی عقیل، اعتکاف را در جمیع مساجد مشروع دانسته اند (حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۷۸). دلیل این قول عمومیت آیه شریفه «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره/۱۸۷) و روایت داود بن حصین می باشد روایتی که علامه حلی از کتاب جامع احمد بن ابی نصر بزنطی نقل می کنند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اعتکافی نیست مگر با (گرفتن) روزه و (معتکف شدن) در شهری که تو در آن هستی» (حلی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۴۹۵).

در این روایت اعتکاف فقط در شهر معتکف جایز شمرده شده است و مقید به مسجد خاصی نگردیده است لذا نتیجه گرفته می شود که اعتکاف در همه مساجد مشروع می باشد.

لکن هر چند عموم آیه شریفه و روایت مذکور دلالت بر مدعی دارد ولی تمسک به عموم وقتی جایز است که مخصصی در بین نباشد و در ما نحن فیه چنین نیست به خاطر روایات مخصصی که بیان شد. و اینکه برخی از معاصرین این روایات مخصص را حمل بر تقیه یا فضیلت کرده اند (سعیدی، ۱۴۳۳، ص ۱۱۶) درست نیست به خاطر اینکه روایات، وقتی حمل بر تقیه می شود که با مبانی شیعه و عمل اصحاب در تضاد باشد این در حالی است که غالب فقها بدان روایات عمل کرده و فتوا به آن داده اند. هم چنین حمل بر فضیلت در روایاتی که مخصص دلیل عام هستند وقتی جایز است که دلیلی بر صحت غیر مخصص ها باشد در حالی که در ما نحن فیه چنین نیست.

به همین خاطر صاحب ریاض درباره این قول می فرمایند:

«هیچ شکی نیست که این قول نادر و شاذ بوده و با اجماع قطعی و نص مستفیض که عموم دلیل این قول را تخصیص می زنند مخالفت دارد». (حائری، ۱۴۱۸، ص ۵۱۹).

علاوه بر این، در روایت مذکور از آن جا که طریق علامه، به کتاب جامع ابی نصر بزنطی معلوم نیست سند حدیث هم خدشه بردار است.

۴) قول صحت اعتکاف در مساجد جماعت

برخی دیگر از فقها، علاوه بر مسجد جامع و مساجد اربعه، اعتکاف در مساجد دیگری که در آن نماز جماعت برپا می شود و دارای امام عادل است را به قصد رجاء صحیح دانسته اند. (خامنه‌ای، ص ۲۰۲). که به نظر، این قول، قول صحیحی می باشد و برای آن می توان مستندات و شواهدی ارائه نمود که در ادامه ذکر می شود.

۴-الف) ملاک بیان شده در روایات

در برخی از روایات صادره از حضرات معصومین علیهم السلام در مورد مکان مشروع برای اعتکاف، ملاک، بیان شده است به عنوان مثال در روایت عمر بن یزید که بحث آن در قسمت انحصار جواز اعتکاف در مساجد اربعه گذشت امام صادق علیه السلام می فرماید: «اعتکافی نیست مگر در مسجد جماعتی که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده باشد» (صدوق، ۱۴۱۳، ص ۱۸۴). مشهور فقها نیز همین ملاک را پذیرفته اند با این تفاوت که امام عادل را منحصر در امام معصوم علیه السلام دانسته اند اما همانطور که گذشت منحصر دانستن امام عادل در امام معصوم (علیه السلام) صحیح نمی باشد در نتیجه ملاک می شود: مساجدی که امام عادل و لو غیر معصوم در آن نماز جماعت خوانده باشد که این ملاک در مساجد جماعت نیز قابل تحقق است و منحصر در مساجد جامع نمی باشد

با این توضیحات معلوم می شود که اگر ما قول به انحصار جواز اعتکاف در مساجد اربعه را نپذیریم مقید کردن مکان های مشروع اعتکاف به مسجد جامع بی دلیل می باشد چنانکه محقق اردبیلی (ره) بدان تصریح کرده اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۳۶۸).

۴-ب) روایات مسجد جماعت

در برخی دیگر از روایات نیز تصریح شده که اعتکاف در مساجد جماعت مشروع می باشد که ابتدا روایات مذکور را بیان و سپس به نسبت و رابطه ای که این روایات با روایات مسجد جامع دارد می پردازیم

روایت اول: علی بن ابراهیم از پدرشان از ابن ابی عمیر از حماد از حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که از ایشان در مورد اعتکاف سوال شد فرمودند:

«جایز نیست اعتکاف مگر در مسجد الحرام یا مسجد الرسول صلی الله علیه و آله یا مسجد کوفه یا مسجد جماعت و روزه می گیری مادامی که معتکف هستی» (کلینی، ۱۴۲۹، ص ۶۷۵).

سند این روایت، همان سند روایت اول در بحث صحت اعتکاف در مساجد جامع است که همانطور که گذشت، سند صحیحی می باشد. روایات دیگری نیز همین مطلب را بیان می کنند که فقط به آن ها اشاره می شود.

روایت دوم: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل کرده اند که فرمودند

«اعتکاف جایز نیست در غیر مکه مگر اینکه باشد در مسجد رسول الله یا مسجدی از مساجد جماعت» (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۳).

روایت سوم: یحیی بن علا نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمودند:

«اعتکاف نمی باشد مگر در مسجد جماعت» (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۰).

همانطور که معلوم است روایات مذکور تصریح دارند بر جواز اعتکاف در مساجد جماعت و معنای متبادر از جماعت هم اعم از جامع می باشد. چنانکه صاحب ریاض (ره) بدان تصریح دارند. ایشان در این باره می فرمایند:

«در برخی از روایات به جای عبارت مسجد جامع، مسجد جماعت ذکر شده و شکی نیست که آن، اعم از جامع می باشد و بر مسجد قبیله هم در صورتی که نماز جماعت بر گزار باشد صدق می کند» (حائری، ۱۴۱۸، ص ۵۲۱).

در نتیجه با استناد به ظاهر روایات مذکور می توان حکم به صحت اعتکاف در مساجد جماعت نمود. و منطوق این روایات هم با منطوق روایاتی که حکم به صحت اعتکاف در مساجد جامع نموده اند در تعارض نیست چون که هر کدام بیانگر مصادیق متفاوت برای مکان مشروع اعتکاف هستند.

مگر اینکه بگوییم؛ منطوق روایات مسجد جماعت، با مفهوم روایات مسجد جامع در تعارض است چون که مفهوم روایات مسجد جامع، عدم جواز اعتکاف در غیر آن مساجد می باشد لکن همانطور که در مباحث اصولی بیان شده است، منطوق بر مفهوم به خاطر

قوی بودن دلالتش ترجیح دارد. (مجاهد، ۱۲۹۶، ص ۷۰۲) در نتیجه ظاهر این روایات (جواز اعتکاف در مساجد جماعت) بر مفهوم روایات مسجد جامع (عدم جواز اعتکاف در مساجد جماعت) ترجیح دارد.

پاسخ به اشکالات

اشکال اول: برخی از فقها، روایات مسجد جماعت را روایاتی متفاوت از روایات مسجد جامع ندانسته‌اند. از دیدگاه آنان؛ تعبیر به مسجد جماعت در روایات مذکور، عبارت دیگری از مسجد جامع می‌باشد. فقهای مذکور در مقام بیان علت، برای ادعایشان، فرموده‌اند:

« این امکان است که بگوییم مراد از مسجد جماعت همان مسجد جامع می‌باشد به خاطر این که کدام مسجد است که نوعاً خالی از جماعت باشد ولو اینکه با دو نفر یا بیشتر برگزار شود پس تعبیر به مسجد جماعت عبارت دیگر از مسجد جامع می‌باشد به خاطر برگزاری نماز جماعت در آن» (تبریزی، بی تا، ص ۲۳۲).

لکن بر فرض هم بپذیریم که تمام مساجد، جماعت هستند ولی قرینه مذکور فقط می‌تواند کلمه ی مسجد را از معنای ظاهری خودش انصراف داده و بر مساجد جماعت حمل کند اما در انصراف دادن مسجد جماعت از معنای ظاهری خودش و حمل بر مساجد جامع، عاجز می‌باشد.

در نتیجه با قرینه مذکور، نمی‌شود دست از معنای ظاهری جماعت در روایات کشید و آن را به مسجد جامع تفسیر کرد.

اشکال دوم: اگر اشکال شود که این قول، همان قول سوم یعنی صحت اعتکاف در جمیع مساجد می‌باشد به خاطر اینکه مسجد، مکانی است که جماعت در آن برگزار می‌شود و بعید است که مراد طرفداران نظریه تعمیم هر مسجدی باشد!

در پاسخ گفته می‌شود: ظاهر عبارت طرفداران نظریه تعمیم، جواز اعتکاف در همه مساجد می‌باشد به خاطر اینکه آنان تصریح دارند در هر مسجدی جایز است و افضل، اعتکاف در مساجد اربعه و مساجد جماعت می‌باشد. (حلی، ۱۴۱۲، ج ۹ ص ۴۹۱).

هم چنین مراد از جماعت در این قول، وجود جماعت صرف و حضور آنان در مسجد نیست بلکه مراد، برگزاری نماز جماعت می‌باشد چون که در این قول بیان می‌شود: اعتکاف در مساجدی صحیح است که نماز جماعت در آن به امامت امام عادل برگزار شود و بین مسجد و وجود نماز جماعت در آن همیشه ملازمه‌ای وجود ندارد؛ بخاطر اینکه مساجدی وجود دارند که جماعت در آن برگزار نیست مانند مساجد بین راهی.

و از برخی از روایات نیز استفاده می‌شود که چنین مساجدی در زمان حضرات معصومین علیهم السلام نیز وجود داشته است. مانند روایت زیر

هاشم حلال می‌گوید:

«من و ابوالصباح بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ابوالصباح به حضرت عرض کرد نظرات درباره مساجدی که حجاج در راه مکه بنا می‌کنند چیست؟ حضرت فرمودند: به به آن بهترین مساجد می‌باشد. هر کس مسجدی بسازد شبیه لانه مرغ سنگخوار خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.» (حر عاملی، ج ۵، ص ۲۰۵).

ابوعبیده حذاء نیز می‌گوید در مسیر مکه و مدینه، امام صادق علیه السلام بر من عبور کردند و من در حالی که چند سنگ را روی هم (به نیت مسجد) گذاشته بودم به ایشان گفتم: آیا این هم از آن است (ثواب ساخت مسجد را دارد)؟ فرمودند: بله. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱ ص ۲۳۵).

نتیجه گیری

درباره حکم مکان اعتکاف، چهار قول مطرح در فقه امامیه وجود دارد: برخی اعتکاف را فقط در مساجد اربعه یعنی مسجد الحرام، مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، و مسجد بصره جایز دانسته‌اند. از دید آنان اعتکاف در سایر مکان‌ها شرعی نمی‌باشد. عمده دلیل این دسته از فقها را می‌توان وجود اجماع در این حکم دانست. لکن این دلیل به سبب وجود مخالف، خدشه بردار بوده و قابل قبول نیست. عده‌ی خیلی کمی از فقها نیز اعتکاف را در همه مساجد مشروع دانسته‌اند. دلیل آنان نیز عمومات برخی از ادله می‌باشد. اما معلوم است که با وجود روایات متعددی که مخصص این عمومات هستند نمی‌توان به عمومات مذکور تمسک جست. برخی دیگر از فقها نیز اعتکاف را فقط در مساجد جامع، جایز دانسته‌اند. فقهای مذکور با استناد به روایات صحیحی که از ائمه علیهم السلام نقل شده است قائل به این قول شده‌اند. لکن از روایات مذکور، نمی‌توان جواز اعتکاف را منحصر به مسجد جامع دانست بخاطر اینکه در روایات صحیح دیگری، اعتکاف در مساجد جماعت نیز صحیح برشمرده شده است. به همین جهت با استناد به این روایات و همچنین دیگر روایاتی که ملاک صحت اعتکاف را مساجدی دانسته که در آن امام عادل اقامه جماعت کرده، می‌توان مکان مشروع برای اعتکاف را مساجدی دانست که امام عادل در آن نماز جماعت اقامه می‌کند ولو اینکه مسجد مذکور، مسجد جامع نباشد.

منابع

قرآن کریم

اردبیلی، احمد بن محمد - مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان - ۱۴۰۳ق - چاپ اول - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن زهره، حمزه بن علی - غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع - ۱۴۱۷ق - چاپ اول - قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

تبریزی، جواد بن علی - تنقیح مبانی العروه کتاب الاعتکاف - بی تا - بی نا.

حائری، سید علی بن محمد - ریاض المسائل - ۱۴۱۸ق - چاپ اول - مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حر عاملی، محمد بن حسن - وسائل الشیعه - ۱۴۰۹ق - چاپ اول - مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حکیم، محسن - مستمسک العروه الوثقی - ۱۴۱۶ق - چاپ اول - موسسه دارالتفسیر.

حلی، جعفر بن محمد - شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام - ۱۴۰۸ق - چاپ دوم - موسسه اسماعیلیان.

حلی، حسن بن یوسف - خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال - ۱۴۳۱ق - چاپ اول - موسسه نشر الفقاهه.

حلی، حسن بن یوسف - مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه - ۱۴۱۳ق - چاپ دوم - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، حسن بن یوسف - منتهی المطلب فی تحقیق المذهب - ۱۴۱۲ق - چاپ اول - مجمع البحوث الاسلامیه.

- خامنهای، سید علی- رساله نماز و روزه- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. (leader.ir
- خمینی، سید روح الله- کتاب الطهاره- ۱۳۷۶ق- چاپ اول- چاپخانه حکمت.
- خویی، سید ابوالقاسم- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة- ۱۴۰۹ق- دفتر آیت الله خویی ره.
- سعیدی، علی- مشروعیه الاعتکاف فی جمیع المساجد- ۱۴۳۳ق- مجله فقه اهل بیت (عربی) شماره ۶۷ و ۶۸.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه- من لا یحضره الفقیه- ۱۴۱۳ق- چاپ دوم- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه- المقنع- ۱۴۱۵ق- چاپ اول- موسسه امام هادی علیه السلام.
- طوسی، محمد بن حسن- الفهرست- ۱۴۱۷ق- چاپ اول- المكتبة الرضویة.
- طوسی، محمد بن الحسن- تهذیب الأحکام- ۱۴۰۷ق- چاپ چهارم- دارالکتب العلمیه.
- عاملی، زین الدین بن علی- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام- ۱۴۱۳ق- چاپ اول- موسسه المعارف الاسلامیه.
- عاملی، محمد بن علی موسوی- مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام- ۱۴۱۱ق- چاپ اول- مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب- الکافی- ۱۴۲۹ق- چاپ اول- دارالحديث.
- مجاهد، سید محمد- مفاتیح الاصول- ۱۲۹۶ق- چاپ اول- موسسه آل البيت.
- نجاشی، احمد بن علی- رجال النجاشی- ۱۳۶۵ش- موسسه النشر الإسلامی.
- نجفی، محمد حسن بن باقر- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام- ۱۴۰۴ق- چاپ هفتم- دار إحياء التراث العربی.